



رابطه بین دلبستگی با روابط نزدیک بین فردی زوجین شهر بندرعباس

سید ابراهیم میرعالی^۱

دکتر سیدرضا فلاح چای^۲

دکتر اقبال زارعی^۳

چکیده

هدف: این پژوهش به دنبال بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی با روابط نزدیک بین فردی زوجین بود. **روش:** جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین ساکن شهر بندرعباس بود که یک سال از ازدواج آن ها گذشته و دارای سواد بالاتر از سیکل یک (سوم راهنمایی) بودند. از این جامعه نمونه ای با حجم ۳۲۴ نفر (۱۶۲ زوج) به روش سهل الوصول انتخاب شد. در این پژوهش برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه روابط بین فردی (IRS) و پرسشنامه تجدید نظر شده تجارب روابط نزدیک (ECR-R) استفاده شد. روش آماری مورد استفاده شامل آمار توصیفی و تحلیلی استنباطی به روش تحلیل رگرسیون، واریانس یک راهه و آزمون تعقیبی شفه بود.

یافته ها: یافته ها نشان داد که رابطه سبک های دلبستگی زوجین با روابط نزدیک بین فردی آن ها معنا دار است و به طور کلی متغیر مستقل سبک های دلبستگی زوجین می توانند متغیر وابسته روابط نزدیک بین فردی زوجین را تبیین نمایند. **نتیجه گیری:** به طور کلی در تبیین روابط نزدیک بین فردی زوجین، ابعاد دلبستگی سهمیم هستند و این ابعاد به عنوان متغیر مستقل، روابط نزدیک بین فردی زوجین را پیش بینی می کند و با آن رابطه دارند و باید عملکرد آنها همزمان مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه ها: سبک های دلبستگی، روابط نزدیک بین فردی و زوجین

۱. کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده دانشگاه هرمزگان
نویسنده و مسئول ایمیل : s.ebi.miraali@gmail.com
۲. دانشیار دانشگاه هرمزگان
۳. دانشیار دانشگاه هرمزگان



مقدمه

به نظر می‌رسد خانواده‌های امروزی در چند دهه‌ی اخیر با جا به جایی نقش و گاه با اغتشاش نقش مواجه بوده‌اند و این مهم به دلایل متعدد اتفاق افتاده است. محوریت و مدیریت خانم‌ها در خانواده نسبت به سابق بیشتر شده است و نقش محوری مرد در خانواده کم رنگ‌تر شده است (عامری، ۱۳۸۲) و در بسیاری مواقع، اجرای موفق مسؤولیت‌های اجتماعی و تربیتی افراد تحت الشعاع اعتماد در روابط نزدیک و رضایت از آن رابطه قرار گرفته است. از یک سو وقتی افراد با تشنج خاطر و رضایت زناشویی پایین به انجام بسیاری از وظایف خود می‌پردازند، فقدان انرژی و تمرکز حواس و گاهی کمبود انگیزه و از دست دادن هدف، مانع از ایفای نقش مؤثر آن‌ها خواهد شد (مهدویان، ۱۳۷۶). از سوی دیگر همسرانی که در شروع زندگی مهارت‌های لازم برای پیشگیری و رفع مشکلات احتمالی در روابط نزدیک بین‌فردی را می‌آموزند، علاوه بر افزایش اعتماد خود قابلیت بیشتری برای دیگر فعالیت‌های زندگی و خود شکوفایی خواهند داشت (جعفری، ۱۳۸۶).

اعتماد در روابط بین‌فردی از جمله مفاهیمی است که اغلب از سوی صاحب نظران در رابطه با عشق و تعهد به عنوان سنگ بنای یک رابطه ایده آل ذکر شده است (هندریک^۱ و هندریک^۲، ۱۹۸۴). اعتماد نه تنها سنگ بنای روابط سالم است بلکه موثرترین عنصر روابط بین فردی نزدیک است (لویکی^۳ و بانکر^۴، ۱۹۹۵). افراد زمانی از وجود اعتماد و اهمیت آن آگاه می‌شوند که درک کنند که در روابطشان با دیگران آسیب وارد شده است. یک رابطه با اعتماد، با لذت بردن، کمک متقابل، احترام و درک، دوستی و صمیمیت همراه است (لاو^۵ و رولینسون^۶، ۲۰۰۹). باید توجه داشت که پایه‌های موثرتر اعتماد بخش عاطفی آن است که افراد را به هم مرتبط می‌گردانند و این سرمایه گذاری‌های خالص و حقیقی عاطفی در روابط نزدیک هستند که با رفاه دیگران در ارتباط اند و بیان‌کننده ی احساسات متقابل رفتاری و کرداری افراد می‌باشند که پایه و اساس اعتماد، روابط نزدیک است که باعث تکرار تعاملات در طول زمان بین اعتماد کننده و اعتماد شونده می‌شود. اطمینان‌پذیری و قابلیت اطمینان است که باعث توقعات مثبت در تمایلات اعتماد شونده می‌شود. هر چند اعتماد در روابط بین فردی در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد و موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از تعاملات مؤثر را موجب می‌شود. ولی سطح اعتماد در محدوده یک رابطه، براساس توانایی و اشتیاق افراد برای اعتماد کردن و قابل اعتماد بودن مداوم در حال تغییر است و فرآیند برقراری اعتماد به عنوان یک عقیده، یک تصمیم و یک عمل، چالشی است که محققان با آن روبه رو هستند (خنیفر، ۱۳۸۹). اعتماد تنها پایه روابط نیست اما آسیب زدن به اعتماد یا کاهش آن، با مرگ روابط همراه است (لیویکی و بانکر، ۱۹۸۵). بدون اعتماد زندگی اجتماعی روزمره‌ای که آن را مسلم و بدیهی می‌پنداریم، غیرممکن است. اگرچه اعتماد یک رخداده درونی است و مستقیماً قابل مشاهده نیست ولی یکی از مهم‌ترین عوامل مرکزی برای توسعه روابط بین‌فردی می‌باشد. وجود رفتارهای مبتنی بر اعتماد در روابط بین افراد، کمک می‌کند تا عدم اطمینان کاهش یافته و رضایت از روابط افزایش یابد (بامبینو^۷، ۲۰۰۶). برای برقراری رابطه، فرد باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که ترس‌های، خود و دیگری را از طرد و دفع شدن کاهش داده و امید به پذیرش، حمایت و تائید را ارتقاء بخشد. اعتماد یک خصیصه شخصیتی ثابت و بلا تغییر نیست. اعتماد جنبه ای از روابط است که مادام در حال تغییر می‌باشد. هر آن چه که افراد انجام دهند سطح اعتماد را در روابط نزدیک افزایش یا کاهش می‌دهند، در ایجاد

1- Hendrik

2- Hendrik

3- Lewicki

4- Bunker

5- Lau

6- Rowlinson

7- Bambynv



و حفظ اعتماد در روابط دو جانبه، کنشهای هر دو طرف از اهمیت زیادی برخوردار است (امیر کافی، ۱۳۸۰). این کنشها بر روابط بین افراد اثر می‌گذارد به ویژه بر روابط بین همسران، والدین و بچه‌ها (پیترسون، ۱۹۹۸). روابط بین زوجین عینی‌ترین روابط بین فردی مربوط به اعتماد در خانواده می‌باشد که در بردارنده بیشترین میزان محبت و نزدیکی است (زتومکا، ۱۹۴۴). توانایی اعتماد کردن، انسان‌ها را قادر می‌سازد تا در روابط خود تعامل داشته باشند، از این رو اعتماد برای سلامتی روان افراد بسیار ضروری می‌باشد (یونگ^۱، ۲۰۰۶). رشد اعتماد یکی رشد خطی نیست. اکثر مردم می‌گویند که اعتماد می‌آید و می‌رود، محققان بر این باورند که اعتماد، ناشی از ادراک افراد است. درک این نکته، که همسرشان فقط به این دلیل که نیازهایش را برآورده می‌کند، یا تنها دلیل جذابیت، توانمندی‌ها، موقعیت و کیفیت‌های به شخص توجه نمی‌کند، بلکه به دلایلی درونی که نمی‌توان آن‌ها را به طور منطقی و عقلانی شرح داد متوجه فرد است. این بدین معناست که عشق بزرگسالان وفادار و قابل اعتماد، عشقی غیرمشروط است که منبع دیگر اعتماد است و باعث افزایش درک و فهم همسران از یک دیگر است (رمپل و همکاران، ۱۹۸۹). همسران با تمامی انتظارات خود، وارد یک رابطه نزدیک بین فردی می‌شوند تجارب زیادی را با خود به همراه دارند، که همه آنها در نحوه روابط نزدیک بین فردیشان موثر است. در روابط نزدیک همسران، سبک‌های وابستگی دوران کودکی تقریباً به طور مشخص تأثیر خود را دارند، اما سایر عوامل نیز تأثیرگذار هستند از قبیل درک کلی فرد از مردم، هنجارهای فرهنگی، باورهای مشترک افراد در مورد نحوه رفتار طرفین در رابطه زناشویی و ایدئولوژی اعتقاد به برابری زن و مرد یا سنت‌گرا بودن و غیره... (لویت^۲، ۱۹۹۱). اگرچه موقعیت‌هایی وجود دارد که در آن بیشتر احتمال دارد که فرد با دیگران رابطه برقرار کند، اما برخی افراد همیشه اجتماعی‌تر از دیگران می‌باشند. تفاوت اساسی در ویژگی‌ها و رفتارهای افرادی که نیاز بالایی برای اعتماد کردن، دارند با آن‌هایی که نیاز پایین دارند، وجود دارد. به طور کلی، افرادی که نیاز بالا برای اعتماد کردن همراه با دلبستگی دارند به برقراری رابطه مثبت با دیگران و حفظ آن بهای زیادی می‌دهند و دوست دارند با دیگر افراد تعاملات اجتماعی نزدیکی داشته باشند. این افراد به دیگران زود اعتماد کرده و دوستانه رفتار می‌کنند و مایلند که مشهور شوند. شاید به این علت که برای این افراد پذیرفته شدن توسط کسانی که ممکن است آن‌ها را طرد کنند، بسیار مهم است این افراد مواظب‌اند تا دیگران را نرنجانند و سطح بالایی از اضطراب را در موقعیت‌های اجتماعی نشان می‌دهند. اگرچه نیاز به اعتماد در روابط همراه با دلبستگی یک نیاز مهمی است اما میزان آن در برخی افراد بیشتر از برخی دیگر است (دوایر، ۱۹۹۹). با این وجود مفهوم اعتماد به طور خاص به نزدیک‌ترین و با ارزش‌ترین روابط نزدیک اشخاص مرتبط است و به عنوان سازه‌ای ارزشمند و لازم برای زندگی روزمره زوجین به نظر می‌رسد. در طول دهه‌های گذشته، مقیاس اعتماد در روابط نزدیک بین فردی زوجین در حد اندک مورد مطالعه قرار گرفته است، محققین در مورد اهمیت آن مطالعات و استدلال زیادی نکرده‌اند و توجه‌ای که به دیگر مقیاس‌ها و عواملی که سبب رضایتمندی در روابط نزدیک زناشویی در خانواده و جامعه به طور اختصاص شده است در مورد اعتماد در روابط نزدیک کم تر بوده است با توجه به این که روابط نزدیک بین فردی زوجین تحت تأثیر فرآیندهای مختلفی از جمله اعتماد در روابط می‌باشد، این فرآیند به عنوان فرآیند تأثیر گذار بر روابط نزدیک بین فردی می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. با این مقدمه، این پژوهش به دنبال بررسی رابطه بین اعتماد در روابط با روابط بین فردی زوجین بود تا با شناخت و آگاهی از این فرآیند مشخص سازد که آیا اعتماد زوجین، روابط نزدیک بین فردی آن‌ها را پیش بینی می‌کند؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: طرح این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمامی زوجین شهر بندرعباس که حداقل یک سال از ازدواج آن‌ها گذشته و دارای سواد بالاتر از

¹-Young

²- levitt



سیکل بود. انتخاب این جامعه از آن جهت بود که اثر شور و شوق اولیه زندگی بر اعتماد در رابطه زناشویی کنترل شود زیرا فرض بر آن بود که در ابتدای ازدواج میزان کیفیت رابطه زناشویی همراه با اعتماد در رابطه بین فردی بالا است. از آن جایی که در این پژوهش امکان نمونه‌گیری تصادفی وجود نداشته، از روش نمونه‌گیری داوطلبانه و در دسترس استفاده شده است و تعداد شرکت کنندگان در این طرح پژوهشی ۳۸۴ نفر (۱۹۲ زوج) بود.

الف - پرسش نامه اعتماد در روابط نزدیک بین فردی: این پرسشنامه در پژوهشی که به موضوع سازه های اعتماد در روابط نزدیک بین فردی توسط (واگن^۱، ۲۰۱۱) انجام گرفته است و تعداد ۶۰۵ نفر در آن شرکت داشته اند و قابلیت اطمینان ۰/۹۵ (آلفای کرونباخ) را به همراه بود. مورد استفاده قرار گرفته است. در ایران نیز برای اولین بار است که این پرسشنامه ترجمه و با نمونه ۳۲۴ نفر و قابلیت اطمینان ۰/۸۳۳ (آلفای کرونباخ) تایید و مورد استفاده قرار گرفته است این پرسشنامه یک ابزار خودگزارشی ۲۴ گویه ای است، که هدف آن آگاهی از پیش‌بینی افراد از نحوه‌ی برخورد همسرشان با آنها در آینده است و دارای چهار زیرمقیاس: قابلیت پیش بینی پذیری با نه عبارت (۷،۸،۱۴،۱۵،۱۶،۱۸،۱۹،۲۰،۲۱)، قابلیت اعتماد و اطمینان هفت عبارت (۱،۳،۵،۱۱،۱۲،۱۳،۲۳)، مقیاس خیرخواهی پنج عبارت (۴،۶،۹،۱۲،۱۳) و مقیاس عقاید و ایمان پنج عبارت (۲،۱۰،۱۷،۲۲،۲۴) است. پیش‌بینی پذیری به عنوان (توانایی ما در پیشگویی رفتار های خاص همسرمان اعم از مطلوب و نامطلوب) تعریف شده است. فرد پیش بینی پذیر به طور یکسان و ثابتی رفتار می کند و این ثبات رفتار، حتی شامل جنبه های بد رفتار او نیز می شود. عقاید (ایمان) میزان ایمان و اعتمادی که نسب به همسر خود در تمام حالات زندگی دارد، بیان می شود، قابلیت اعتماد و اطمینان به صورت (توانایی اعتماد به همسر در هنگام مواجهه با خطر و آسیب بالقوه) تعریف شده و نیز به معنای ویژگی ای که فرد را قادر می سازد احساس کند همسرش به حمایت و توجه به او ادامه می دهد و در همه حال خیرخواه و وفادار به او است.

ب - پرسش نامه اعتماد در روابط نزدیک بین فردی: مقیاس اولیه اعتماد در روابط نزدیک بین فردی دارای ۲۶ عبارت بود که پس از مطالعات مقدماتی، عباراتی که همبستگی آنها کمتر از ۰/۳۰ بود حذف شدند و در نتیجه تعداد آن به ۱۸ عدد کاهش یافت. ضریب آلفای کل آزمون برابر با ۰/۸۱ است و ضریب آلفای کرونباخ زیر مقیاس پیش بینی پذیری برابر با ۰/۷۱، قابلیت اعتماد ۰/۷۲ و وفاداری ۰/۸۰ گزارش شده است. این آزمون یک ابزار خودگزارشی ۱۸ گویه ای است که آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) میزان مخالفت یا موافقت خود با هر یک از گویه ها را مشخص کند. مقیاس اعتماد به منظور ارزیابی میزان اعتماد افراد به همسر ساخته شده است. بعضی از گویه های این پرسش نامه از مقیاس روابط بین فردی (IRS) که توسط شلاین، گورنی و استور تهیه شده، گرفته شده است. این مقیاس دارای سه زیرمقیاس است: پیش بینی پذیری پنج عبارت (۴،۵،۶،۸،۱۴)، قابلیت اعتماد پنج عبارت (۱۰،۷،۱۳،۱۵،۱۷)، و وفاداری هشت عبارت (۱۱،۱۲،۱۶،۱۸، ۲۰،۳،۹،۱۰، ۱۱،۱۲،۱۶،۱۸) است. پیش‌بینی پذیری به عنوان (توانایی ما در پیشگویی رفتار های خاص همسر اعم از مطلوب و نامطلوب) تعریف شده است. فرد پیش بینی پذیر به طور یکسان و ثابتی رفتار می کند و این ثبات رفتار، حتی شامل جنبه های بد رفتار او نیز می شود. قابلیت اعتماد به صورت (توانایی اعتماد به همسر در هنگام مواجهه با خطر و آسیب بالقوه) تعریف شده و وفاداری نیز به معنای ویژگی های می باشد که فرد را قادر می سازد تا احساس کند که همسرش به حمایت و توجه به او ادامه خواهد داد، گفته می شود. برای به دست آوردن نمره کل مقیاس اعتماد در روابط نزدیک بین فردی باید امتیاز همه عبارات را با هم جمع کنید، پایین ترین نمره ۱۸ (نشانه اعتماد پایین فرد نسبت به همسر) و بالاترین نمره ۱۲۶ (بیانگر اعتماد زیاد فرد) است. در این پژوهش با نمونه ۳۲۴ نفر (۱۶۲ زوج) با قابلیت اطمینان ۰/۸۳۸ (آلفای کرونباخ) در سطح ۰/۰۵ معناداری است بدین معنی است که این پرسش نامه مورد تایید می باشد.

¹-Vaughn



روش گرد آوری داده ها

در این پژوهش محقق از شیوه ی مصاحبه میدانی و ابزار پرسشنامه ای در جهت جمع آوری داده ها استفاده نموده است. ابتدا پس از تهیه ی پرسشنامه ها و اجازه استفاده از طراحان آنها، این پرسشنامه ها توسط پنج تن از اساتید گروه روان شناسی و مشاوره دانشگاه هرمزگان نیز مورد تایید واقع شد. سپس ۳۸۴ پرسش نامه بین شرکت کنندگان توزیع گردید پس از توزیع پرسش نامه بین شرکت کنندگان (زوج ها) و شرح مختصر جهت توجیه آن ها، از شرکت کنندگان خواسته شد که پرسشنامه را به دقت خوانده و طور مستقل به پرسش نامه پاسخ دهند. اجرای این پژوهش به مدت ۱۱ ماه از اول اسفند ماه ۱۳۹۰ تا بهمن ماه ۱۳۹۱ به طول انجامید و شیوه اجرا به این صورت بود که محقق شخصاً پرسشنامه را در پاکت های جداگانه همراه با توضیحات لازم به تک تک زوج ها تحویل داد و پس از تکمیل آن را دریافت می نمود به طور کلی از ۳۸۴ پرسش نامه توزیع شده، در بین ۱۹۲ زوج ۱۸۳ پرسش نامه به محقق عودت داده شد، در نهایت پس از جمع آوری اطلاعات پاسخ نامه ها ناقص از جریان تحلیل حذف شدند و در پایان تعداد پاسخ نامه های ۳۲۴ نفر (۱۶۲ زوج) با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶، مورد تجزیه و تحلیل های آماری قرار گرفت.

یافته ها

در این پژوهش فراوانی و درصد فراوانی شرکت کنندگان این گونه بود رده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۳۱ تا ۴۰، ۴۱ تا ۵۰ و ۵۱ سال به بالا هر کدام به ترتیب با ۱۷/۳، ۵۰/۷، ۲۶/۷ و ۵/۳ درصد. همچنین افراد با ۲ تا ۵ سال، ۶ تا ۱۰، ۱۱ تا ۱۵ و ۱۶ سال و بالاتر به ترتیب با ۶۴/۷، ۱۰، ۸/۶ و ۱۶/۷ درصد حجم نمونه را بر حسب طول زندگی مشترک زناشویی زوجین به خود اختصاص داده اند. سؤال: آیا اعتماد زوجین، روابط نزدیک بین فردی آن ها را پیش بینی می کند؟

جدول ۱: روش ورود، R، R^۲ و خطای استاندارد مدل رگرسیون اعتماد در روابط نزدیک بین فردی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	R	ضریب تعیین R ^۲	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد
روابط نزدیک بین فردی	اعتماد	۰/۱۰۱	۰/۰۱۰	۰/۰۰۴	۱/۰۷۴۷۸

جهت تحلیل این سؤال از رگرسیون به روش ورود استفاده شده است. همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود. ضریب همبستگی R بین اعتماد و روابط نزدیک بین فردی زوجین ۰/۱۰۱ است و ضریب تعیین R^۲ برابر ۰/۰۱۰ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۰۰۴ و خطای استاندارد ۱/۰۷۴۷۸ می باشد در پژوهش حاضر، اعتماد با روابط نزدیک بین فردی زوجین در رابطه است و متغیری مستقل اعتماد می تواند واریانس متغیر وابسته روابط نزدیک بین فردی زوجین را تبیین نماید.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس یک راهه مدل رگرسیونی مربوط به اعتماد در روابط نزدیک بین فردی زوجین

منبع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	مجدور میانگین ها	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱/۹۱۵	۱	۱/۹۱۵	۱/۶۵۷	۰/۲۰۰
باقی مانده	۱۸۴/۸۲۴	۱۶۰	۱/۱۵۵		
کل	۱۸۶/۷۳۹	۱۶۱			



همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌گردد، مدل رگرسیونی برای پیش‌بینی روابط نزدیک بین فردی زوجین توسط متغیر اعتماد معنادار نیست. با توجه به مقدار $F=1/657$ ، با درجات آزادی $df=1, 160$ ، این مقدار در سطح $p<0/200$ معنادار مشاهده شده است. به این معنی که، مقدار F حاصله نشان داد که این متغیر به تنهایی نمی‌تواند به عنوان متغیری اثر گذار و معنادار در پیش‌بینی متغیر وابسته روابط نزدیک بین فردی زوجین در این پژوهش باشند. برای مشخص کردن دقیق‌تر این که چرا متغیر مستقل اعتماد به تنهایی سهم بسیار ناچیزی از پیش‌بینی روابط نزدیک بین فردی زوجین را دارند، جدول ۳ ضرایب مدل رگرسیونی مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۳: ضرایب رگرسیونی مربوط به اعتماد با روابط نزدیک بین فردی زوجین

مدل	ضرایب غیر استاندارد		β (بتا)	مقدار t	P
	مقدار B	خطای B استاندارد			
مقدار ثابت	۸/۰۳۳	۰/۶۹۵		۱۱/۵۵۳	۰/۰۰۱
اعتماد در روابط	۰/۰۴۵	۰/۰۳۵	۰/۱۰۱	۱/۲۸۷	۰/۲۰۰

در این جدول مقدار ثابت $B=8/033$ و خطای استاندارد $B=0/695$ است در حالی که میزان بتا به دست آمده $0/101$ می‌باشد و t ما نیز $1/287$ است که در سطح $p<0/200$ معنادار شده است. این حاصل از میزان سطح $0/05$ درصد که مبنای ماست بسیار بالاتر می‌باشد پس متغیر مستقل اعتماد در این پژوهش نمی‌تواند به تنهایی پیش‌بینی کننده‌ی مناسبی برای متغیر وابسته روابط نزدیک بین فردی در این پژوهش باشد. و لازم است متغیرهای دیگر متغیر مستقل اعتماد را همراهی نمایند تا در کنار هم بتوانند به خوبی متغیر وابسته روابط نزدیک بین فردی پیش‌بینی نمایند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سوال این‌گونه مطرح شد که آیا اعتماد زوجین، روابط نزدیک بین فردی آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند؟ نتایج بدست آمده در این پژوهش نشان داد که متغیر مستقل اعتماد، متغیر وابسته روابط نزدیک بین فردی زوجین را تبیین می‌نماید. ولی پیش‌بینی روابط نزدیک بین فردی زوجین توسط متغیر اعتماد مطلوب و معنادار نیست. مقدار F نشان داد که متغیر اعتماد در روابط به تنهایی به عنوان متغیری اثرگذار و معنادار در پیش‌بینی متغیر وابسته روابط نزدیک بین فردی زوجین در این پژوهش نیست. عوامل مختلفی می‌توان در به دست آمدن این چنین نتیجه‌ای سهیم باشند. از جمله نحوه‌ی پژوهش و شیوه جمع‌آوری داده‌ها و مرسوم نبودن پژوهش در جامعه مورد مطالعه، تعداد سوالات و غیره... این پژوهش با پژوهش‌های (واگن، ۲۰۱۱)، (برنیان و موریس، ۱۹۹۷)، (سیمپسون و همکاران، ۱۹۹۶)، (لویکیو بانکر، ۱۹۹۵)، (پینز آیزنر، ۱۹۹۲) و (رمپل و همکاران، ۱۹۸۵) همخوانی ندارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که اعتماد عنصر کلیدی در روابط نزدیک بین فردی است که زندگی دو نفر را به یک دیگر متصل می‌کند و پیوندی واقعی ایجاد می‌کند. توانایی متعهد کردن خود به وابستگی عینی و زندگی مشترک و رشد و توانمندی اخلاقی برای تحمل این تعهد، حتی اگر نیاز به از خود گذشتگی یا بد نامی و به خطر افتادن باشد، بدین معنا است که زندگی مشترک نیاز به این دارد که یکی برای این که با دیگری باشد، خود را قربانی کند. عشق به دیگری نیازمند این است که فرد خودش را تحت فشار قرار دهد و نیاز به رشد توانمندی فردی، برای تحت حمایت قرار دادن دیگری دارد. فهمیدن این که طرف مقابل چه حسی و نیازی دارد و چه می‌خواهد و خود را در خطر انداختن برای او زمانی که لازم است تا احساسات و نیازهای او برآورده شود. این میل به از خود گذشتگی، بدون رنجیدن و اهدای خود به دیگری و دریافت از دیگری است که عامل ایجاد اعتماد



می شود. عنصر دیگری که در رشد اعتماد دخیل است، احساس منحصر بودن و ویژه بودن ارتباط است. همسرانی که گزارش می دهند با هم صمیمی هستند، به نظر می رسد که پیوند و تعهد ویژه ای نسبت به هم دارند، چنین مواقعی اعتماد نمی تواند دوام آورد، مگر این که احساس امنیت کنند از این که همسرشان به آن ها خیانت نخواهد کرد و اعتمادشان را نقض نخواهد کرد. احساس ایمنی، با افزایش رازهایی که هر دو نفر در آن سهیم هستند، افزایش پیدا می کند. احساس این که می توان به همسر خود اعتماد کرد، با وجود این که او رازهای او را می داند و مطمئن است که در گرماگرم مشاجره آن ها را به روی خود نخواهد آورد. اعتماد یک شبه بدست نخواهد آمد، بلکه زمان می برد تا زوجین از خود پرده براندازند و دردها و رنج ها و شک های خود را با همسرشان قسمت کنند. بسیاری از همسران می گویند که هرگاه عشق به تندی آن ها را به هم پیوند دهد، اعتماد در آنها دیرتر به وجود می آید، تا هنگامی که زمانی بگذرد و زندگی را دوشادوش هم و گام به گام بسازند (خنیفر، ۱۳۸۹).

اعتماد در روابط نزدیک یکی از مهم ترین و مؤثرترین عوامل در تداوم یک زندگی موفق، سالم و شاد، محسوب می شود. بالعکس زمانی که روابط زوجین مبهم، متعارض یا دو پهلو باشد و زوجین خواسته های یک دیگر را نشناسند و آن ها را درک نکنند و برای خواسته های هم دیگری ارزشی قایل نباشند، سلب اعتماد و ناامیدی در بهبود روابط نزدیک زوجین را به همراه خواهد داشت. بینش های سوگیرانه و نادرست، روابط غلط، علاوه بر اثرات سوپی که بر روابط بین همسران می گذارد، بی تردید ساختار خانواده را نیز متزلزل می نماید. تزلزل خانواده نیز بر سلامت روان کودکان و رشد طبیعی و سالم آن ها اثرات مخربی بر جای خواهد گذاشت. این مهم سبب می شود تا زوجین توانایی حل مشکلات و توافق بر سر موضوعاتی از قبیل گفت و گو سالم صمیمی، روابط جنسی رضایت بخش، نحوه معاشرت و رفت و آمد با خویشان، گوش دادن به یک دیگر، گذراندن اوقات فراغت، تربیت فرزندان و نحوه ی خرج کردن پول، وغیره... نداشته باشند، در نتیجه احساس دوری و عدم تفاهم می نمایند و ممکن است در جستجو و دست یابی به راه حل هایی باشند که هیچ کمکی به آن ها نکرده و باعث بدتر شدن وضعیت و بی اعتمادی آن ها شود. بنابراین بخش مهم ارزیابی خانواده اعتماد در روابط نزدیک بین فردی است در واقع زوجین باید یک دیگر را سیراب از محبت، تصدیق و حمایت نمایند. رابطه و معاشرتهایشان را بر اساس اعتماد و اطمینان و احترام متقابل بنا نهند که در این امر دلبستگی و وابستگی متقابل، روابط عاشقانه و صمیمیت نیز دخالت دارند. علاوه بر این هر یک از زوجین نیازمند به همسر با کفایت و آگاهی است که بتواند به موقع به حل تعارضات موجود بپردازد، با در نظر گرفتن نقشی که اعتماد در روابط نزدیک بین فردی می تواند داشته باشد. می توان چنین ادعان کرد که اجرای موفق مسؤولیت های شغلی، اجتماعی و تربیتی افراد تحت الشعاع اعتماد در روابط نزدیک و رضایت از آن رابطه قرار گرفته است، وقتی افراد با تشنج خاطر و اعتماد پایین به انجام بسیاری از وظایف خود می پردازند، فقدان انرژی و تمرکز حواس و گاهی کمبود انگیزه و از دست دادن هدف، مانع از ایفای نقش مؤثر آنها خواهد شد. با وجودی که هر یک از زوجین در زندگی زناشویی بر اساس ویژگی های شخصیتی پایگاه اجتماعی، تحصیلات، سن، فرهنگ و الگوهای رفتاری آموخته شده، برخوردهای خاص و منحصر به فردی را با یک دیگر دارند، با این وجود در بسیاری خانواده ها ریشه اصلی مشکلات و نزاع ها مشابه اند که از بی اعتمادی و سلب اعتماد نشأت می گیرد.

به طور کلی در تبیین روابط نزدیک بین فردی زوجین، اعتماد دارای سهم ویژه و محصر به فرد است، اما به تنهایی قادر به تبیین متغیری چون روابط نزدیک بین فردی زوجین نیست تا عملکرد آن مورد توجه قرار گیرد در این بین لازم است متغیرهای دیگر در کنار متغیر مستقل اعتماد در روابط باشد تا بتواند متغیری چون روابط نزدیک بین فردی زوجین را تبیین نماید. احتمال این می رود که این همبستگی نا چیز در اثر هاله ای از دلبستگی ها و وابستگی های مختلف زوجین باشد که اعتماد زوجین را، احاطه کرده است و این حائل موجب شده تا همبستگی روابط زوجین و معناداری آن را، تحت شعاع خود قرار دهد. و متغیرهای مستقل نتوانند به خوبی متغیر وابسته را پیش بینی کنند. به طور مثال از جمله هاله های مطرح شده می توان به شرایط فرهنگی خاص، همکاری بعضی از پاسخ گویان به دلیل نوع موضوع مطرح شده و پاسخ های خواسته شده از آن ها و هراس از افشای



اطلاعات محرمانه در حضور همسرشان اشاره کرد همسرانی که در شروع زندگی مهارت های لازم برای پیشگیری و رفع مشکلات احتمالی در روابط نزدیک را می آموزند، علاوه بر افزایش اعتماد و عزت نفس خود در روابط نزدیک بین فردی، قابلیت بیشتری برای فعالیت های دیگر زندگی و خود شکوفایی خواهند داشت که موجب ارتباطات مؤثر و رابطه ی نزدیک بین فردی عمیقی بین آنها می گردد و استفاده نکردن از مهارت های لازم برای شروع و ادامه زندگی زناشویی لذت بخش، می تواند منجر به بی اعتمادی، تنهایی، بیماری جسمی، فشار روانی، احساس عدم صلاحیت و نارضایتی زناشویی، مشکلات خانوادگی، طلاق عاطفی و جدایی دائمی و حتی مرگ شود.

منابع

- امیر کافی، مهدی (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، نمایه پژوهش، شماره ۱۸.
- خنیفر، حسین زرنندی و نفیسه (۱۳۸۹). بازکاوی مفهوم اعتماد در سازمان انتشارات مؤسسه انتشارات بعث تهران، زمستان ۱۳۸۹، چاپ اول، شابک ۹-۳۵-۵۱۱۶-۶۰۰-۹۷۸.
- دوایره، دیانا (۱۹۹۹). روان شناسی عشق، روابط بین شخصی؛ مترجم فتحی مهدی (۱۳۴۶)، مشهد، انتشارات نی نگار، چاپ گل نشر، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- عامری، فریده، نوربالا، احمد، اژه ای، جواد و رسول زاده، سیدکاظم (۱۳۸۲). بررسی تاثیر مداخلات خانواده درمانی راهبردی در اختلاف های زناشویی. مجله روان شناسی. سال هفتم. شماره ۴ ص ۲۳۲
- مهدویان، فاطمه (۱۳۷۶). بررسی تاثیر آموزش ارتباط بر رضامندی زناشویی و سلامت روانی. پایان نامه کارشناسی ارشد. انیستیتو روانپزشکی تهران.
- میرعالی، سید ابراهیم، فلاح چای، سید رضا، زارعی، اقبال (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین اعتماد و دل بستگی با روابط نزدیک بین فردی زوجین شهر بندرعباس. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته مشاوره خانواده دانشگاه هرمزگان.

منابع لاتین

- Bambino, M. A. (2006). *Physician communication behaviors that elicit patient trust*, East Tennessee State university.
- Dwyer, M. T. (2005). *Emotional Intelligence and Conflict Resolution style as Predictors of Marital satisfaction in the first year of marriage*. (Doctoral Dissertation, University of Kentucky, 2005).
- Hendrick, C., Hendrick, S.S., Foote, F.H., & Slapion-Foote, M.J. (1984). Do men and women love differently?, *Journal of Social and Personal Relationships* 1, 177-95.
- Lewicki R.J., & Bunker, B.B. (1995). Trust in relationships: a model of trust development and decline. In *Conflict, Cooperation, and Justice*, ed. B.B. Bunker, J.Z. Rubin.



- Lau, E., & Rowlinson, S. (2009). Interpersonal trust and inter-firm trust in construction projects, *Construction Management and Economics*, 27, 539.
- Levjtt, M.J. (1991). *Attachments and close relationships: a life-span perspective*, in J.L. Gewirtz and W.M. Kurtines (eds), *Interaction with Attachment*, Hillsdale.
- Peterson. Robyn. (1998). Trust for quality , The TQM -۱۱۶.
- Rempel, J. K., Ross, M., & Holmes, J. G. (2001). Trust and Communicated Attributions in Close Relationships, *Interpersonal Relations and Group Processes*, 81, 57-64.
- Vaughn. s. (2011). *The Constructs of Trust in Close Interpersonal Personal Relationships*. Doctoral Disseration, University of Oklahoma,(2011).
- Young. Louise. (2006). Trust: looking forward and.back, *Journal of Business & Industrial Marketing*, 21/, 439-445.